

# علم شاهزاده احمد

بقلم

آقای محمد کیوان پور مگری

در لرستان در ناحیه مارگیمه مد (Margiamad)

که بیشتر بنام پاپی شازده مد معروف میباشد رئیس این عده را پاپی گپ یعنی خادم بزرگ و خدمه را گاهی پاپیون یا پاپیون شازده مد مینامند. پاپی گپ که رئیس بزرگ این عده است مسئول دریافت کلیه نذورات و فتوحات است و آنها را بخرج امامزاده میرساند عده ای از این پاپیها گاهی بر حسب فرمان رئیس خود علم کوچک را بترتیب چهار فصل بیان ایلات لرستان میبرند و مردم علم را زیارت کرده و نذورات خود را برتیس این عده که ریش سفید تر است و عده آنها گاهی بدوازده نفر میرسد، تقدیم می کنند

که یکی از محال قشلاقی ایل پاپی است امامزاده ای بنام شاهزاده احمد وجود دارد که لرها خود آنرا شازاده مد می نامند این امام زاده بیشتر متعلق بایل پاپی و قلاوند است و در حدود محال آنها واقع شده است غیر از این امامزاده دو امامزاده معروف دیگری در لرستان وجود دارد که از لحاظ اهمیت و احترام در نزد لرها در درجه دوم واقعند نخستین آن دو امامزاده شاه احمد است که لرها خود آنرا شهامد مینامند این امامزاده زیارتگاه ایل بیراهوند (بهر اموند) و میرها است. دومین آن زیارتگاه شهنشاه است که لرها خود آنرا شنشا (Sheneshâ) مینامند. این زیارتگاه تقریباً در دوازده کیلو متری شهر خرم آباد در دامنه کوهی بهین نام وجود دارد و منطقه حوالی آن نیز بهین نام معروف میباشد. محل مزبور محل زیارتگاه کلیه ایل بهاروند و مردم شهر خرم آباد است و چون بر سر راه قشلاق و بیلاق کلیه ایلات لرستان واقع شده است حائز اهمیت خاصی است.

همین که علم از دور نمودار شد مردم هرده نذوری را که در مدت سال برای سلامتی بدن خود و نزدیکان خود یا امور دیگر بعهده گرفته اند با کمال میل و رغبت پیشکش میکنند و اغلب علم که بمحل امامزاده بر میگردد با هدایائی از گوسفندان و متاع فراوان همراه است و از لحاظ مالی قابل ملاحظه است. علم بزرگ همیشه در محلی محفوظ و با احترام خاصی نگهداری میشود و در دو هنگام آنرا بیرون می آورند.

شاهزاده احمد برخلاف دیگر امامزاده هائی که در لرستان وجود دارد دارای گنبدی طلائی است که آن خود نیز قصه ای دارد که در سطور بعد این مقاله خواهد آمد.

اول موقعیست که پاپی بزرگ امامزاده را بخواب میبندد و بوی دستور میدهد که این علم فلان موقع باید بمیان فلان ایل برود و این عمل را وسیله ای برای جلوگیری از بلیات سماوی و پیش آمدهای بد و ناگوار میدانند و گاهی هم پاپی بزرگ از زبان امام بیغامی برای رئیس ایل میفرسند که مثلاً امسال باید فلان قدم نذر کنی یا ایل تو امسال نباید فلان کار را انجام دهد این دستورها را بمنزله آیه آسمانی و حتی الاجرا است

این امامزاده دارای دو علم است که یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است علم بزرگ تقریباً بطول چهار متر است و بر سر آن شکل پنجه ای قرار دارد که تا یک متر زیر آن از پارچه های رنگارنگی که مزایم اندز کرده اند و بدین آویخته اند پوشیده شده است علم کوچک همین شکل علم بزرگ است تنها کوچکتر است و بجای شکل پنجه بر سر آن شکل راوزهائی قرار دارد که دهان خود را تا بیخ گشوده است شاهزاده احمد دارای یک عده خدمه بنام پاپی است (با ایل پاپی مشتبه نشود)

والا معتقدند آنها آن ایل یا بخانواده پاپی منتظر عواقب و خیم خداوند باشد و علاقه به این موارد و غیرین مردم و متعصبین و علاقمندان امسال مزایم قرار میگیرد ضمناً باید گفت که اغلب این بیامها حاوی دستورهای خوب اخلاقی و وجود مردم است و شامل دستوری نامناسب یا غیر عادی نیست.

این مناطق بغاطر سپرده اند و خلاصه داستان چنین است که در يك موقی که خیلی قدیمتر از زمان وقوع حادثه قبلی بوده است میان رئیس ایل میر بالا گریوه و شخص دیگری که گویا اسدخان نام داشته است نزاعی واقع میشود .

رئیس ایل میر بالا گریوه میرایمان نام داشته است (۱) اسدخان دشمن میرایمان در میان دشمنان بوضع ناگواری دچار و محاصره میشود در هنگام یأس و دلشکستگی با پروردگار مناجات کرده و میرایمان را نفرین میکنند و باخدای خود نذر میکنند که «خدا یا! خداوند! اگر از این دام جستم و از این مصیبت رستم و جان سالم بدر بردم نعل اسب باوفای خود و گنبد امام زاده شاهزاده احمد را از طلا میسازم و این نیت را در گوش اسب خود که «کپیلو» نام داشته است فرو میخواند» با اینکه حلقه محاصره بسیار تنگ و موقع خطرناک بوده است، معذای اسب خود مهمیز زده و می میکند. اسب در هنگام چهار نعل کرد و غبار عظیمی بر پا میکند بطوریکه سوار در میان خاک و غبار کم و از نظرها پنهان میشود و تیری بوی اصابت نمی کند و وی جان سالم بدر میبرد. سالم ماندن سوار را پس از آن نذر دال بر معجزه و کرامت امامزاده میدانند و وی پس از رسیدن به محل بنذر خود عمل کرده گنبد امامزاده و نعل های اسب خود را از طلا میسازد. این قصه منظوم و دارای اشعار خوشبزه و لطیفی است که حکایت از سادگی روح و پاکتی و صداقت لرها میکند منجمله از اشعار آن ابیات ذیل است :

خشی افتاو روورو تاچم گردو  
هام دهول میرایه و شو نورم خو

Khi eftâ wa ro wa ro tâ cam-e Gardow.  
Hâm dhül-e mir imü show nawaram khow

شهامد، شازاده مد، پیره، هنایه

برسنی و میر ایموی معجزایه

Shahâmad, Shâzâdamad, pira, hanâya.  
Baresni wa mir imü yey moedjezâya.

موقع دوم موقیست که در لرستان میان دو ایل بزرگ جنگ وجدالی سخت واقع میشود در صورتیکه این جنگ وجدال مدتها طول کشد یا علم بزرگ در هنگام عبور از ایلی بهجای که در آنجا جنگ واقع است برسد ناچار باید در هر دو حال علم را در مکان بلندی در میان دودسته متخاصم قرار دهند و دو طرف بعضی اطلاع از این عمل باید فوراً و بی درنگ متخاصمه وجدال را ترک کنند و بعد هر يك گو سفندی آورده در پای علم ذبح کنند .

مشهور است که تقریباً در حدود چهل پنجاه سال قبل میان کلیه لرها و بختیاری ها اختلاف و جنگی واقع میشود بطوری که محل قشلاق لرها منطقه جنگ طوایف لرو بختیاری واقع میشود علت این اختلاف و نزاع را اختلاف میان والی لرستان و والی بختیاری میدانند و گویا یکی از بختیاری ها والی لرستان شده و اهالی محل این امر را توهین تصور کرده وی را پذیرفته اند و اهالی بختیاری در صدد حمایت وی برآمده و این امر باعث نزاعی خونین میشود در هنگامی که جنگ شدت یافته بنتهی درجه میرسد وعده بیشاری از دو طرف کشته میشوند و احتمال خونریزیهای شدیدتر و بیشتری میرود این علم را بیان آورده و باعث صلح و ترک جنگ میشوند، از وقایع دیگر مربوط باین علم جنگی است که در حدود بیست و پنج سال قبل میان ایلات قلاوند و بهاروند که در ناحیه بالا گریوه سکونت دارند واقع میشود در این حادثه قسمتی از ایل هیر بکمک ایل بهاروند و قسمتی از ایل سگوند بکمک ایل قلاوند برمیخیزند و خلاصه کلیه ایلات بالا گریوه بدودسته متخاصم منقسم شده و بجان هم میافتنند و یک سال هم این جدال بطول میکشد در هنگام بروز شدت جنگ و کشتار علم را آورده و در میان طرفین می نهند و بدین وسیله جنگ پایان میرسد .

از داستان های مربوط باین امامزاده داستانی است که در این محال واقع شده و موضوع قصه بسیار شیرین منظومی است که اغاب اشعار آنرا لرها

(۱) ایل میر از چندین قبیله مختلف تشکیل یافته است که مهمترین آنها میرهای هاشمی نژاد در صبیوه و میرهای بالا گریوه در بالا گریوه میباشد که هر يك بچندین قبیله و طایفه دیگر منقسم میشوند و هر يك رئیس جداگانه دارند این میرها مدعیند که دارای نسب نامه هستند که پس از چندین نسل خود را بحضرت عباس فرزند علی بن ابیطالب میرسانند و از اختصاصات این ایل این است که قبل از نامشان همیشه کلمه «میر» وجود دارد البته در مورد خوانین و خانزادگان از زن و مرد.

ترجمه تحت اللفظی این دو شعر بفارسی چنین است :  
 خون افناد بر سر خط‌های گردنه ناچم گرداب (۱)  
 هستم از ترس میرایمان شب نرم خواب.  
 شاه احمد ، شاهزاده احمد ، ای پیر ، بفریاد رس .  
 برسان بهیر ایمان معجزه نمی .  
 گویند میرایمان در روز بس از این قضیه مرده است ..

در جائی از زبان میر ایمان چنین گفته شده است .  
 ای سه تیر جی نم سه تیر و سد (وسط)  
 سه بو نم تو بکشی دهوز اسد  
 ay se tir djounam setir e vasad  
 ma Bünam to bakoshi dhüz-e assad.  
 ای سه تیر جانم ، ای سه تیر وسط .  
 من بیندازم تو بکشی از طایفه اسد .

(۱) رو و رو ro wa ro خط مستقیم رأس گردنه‌ها که تقریباً شبیه خط تقسیم میاء در جاده هاست و سرایشب میباشد .  
 چم cam زمینی را گویند که گیاه سبز آن اقلانیم متر بلند باشد و چم گرداب نام محلست در بالا-  
 گریوه . اساساً چم‌ها بیشتر در کنار صیبره و همچنین در کنار رودخانه « زال » که از کنار کوه های پابی  
 و شاهزاده احمد سرچشمه میگردد و بعد رود عظیمی شده بصیبره میریزد ، واقعتاً این رود در محل بالا گریوه  
 جریان دارد و پس از صیبره بزرگترین رودهای لرستان است آب زال حد فاصل میان قشلاق و یلاق بالا-  
 گریوه است که بوسیله پلی بنام « پیل زال » یعنی پل زال دو قسمت بهم مربوط میشود .

### مقایسه لهجه های مختلف فارسی

طرز تلفظ ۳ کلمه « در » ، « باد » و « یید » در بعضی لهجه های مختلف فارسی کنونی را که در شماره پیش اشاره مختصری بآنها نمودیم در زیر مینگاریم ، دقت فرمائید و آنها را با هم مقایسه کنید تا از شباهت آنها بقاعده کلی که در ایجاد این لهجه ها مراعات شده بی بیبرید .

| لهجه های مختلف    | در  | باد | یید |
|-------------------|-----|-----|-----|
| یغنوی             | دیو | وات | ون  |
| پراچی             | بور | غه  | غی  |
| خوری              | در  | کد  | کد  |
| دری               | بر  | واد | واد |
| نائینی            | بر  | وا  | وا  |
| تندزی             | بر  | وای | وای |
| سمنانی            | بر  | وای | وای |
| سیوندی            | بر  | وای | وای |
| گیلکی             | در  | باد | یید |
| لری               | دو  | باد | یید |
| سغنی              | دو  | باد | یید |
| طالشی             | دو  | باد | یید |
| خونساری           | دو  | باد | یید |
| اوسیت             | دو  | باد | یید |
| اشخاشمی و سنگلاچی | دو  | باد | یید |
| واختی             | دو  | باد | یید |
| اموندچی           | دو  | باد | یید |
| پشتکوشی           | دو  | باد | یید |
| اولامری           | دو  | باد | یید |
| گرادی             | دو  | باد | یید |